

**شخصيات مسرحية افول لأكبر رادي وفقاً لنظرية (فيليب هامون)
دراسة سيميائية دلالية**

**حيدر احمد عبد الحميد
ا.د. نهله داؤد سلمان**

جامعة بغداد – كلية اللغات – قسم اللغة الفارسية

**The Characters of the Play (oful) by Akbar Rady
According to the Theory of (Philip Hamon) A
Semiotic-Semantic Study**

**Haider Ahmed Abdel Hamid
Prof.Dr.Nahlah Daood Salman**

**University of Baghdad, College of Languages,
Department of Persian Language**

السيمائية - الدلالية هي الوسيلة العلمية التي بواسطتها يمكن دراسة آليات تشكيل وإنتاج الدلالة في الخطابات. من أبرز وأشهر المنظرين السيميائيين هم (سوسور، فيليب هامون، بيرس). إن عنصر الشخصية هو أحد العناصر الرئيسية في كل قصة، لأن لها دوراً مهماً في مسير أحداث القصة. قد كُتبت البحث بمنهج وصفي - تحليلي لدراسة الشخصية في مسرحية (أفول) للكاتب أكبر رادي من الناحية السيميائية - الدلالية وفقاً لنظرية فيليب هامون مثل أنواع الشخصية ومستويات وصف الشخصية. تم تحليل هذه الشخصيات وفقاً لنظرية فيليب هامون حيث بينت هذه الدراسة إن أكثر الشخصيات في المسرحية هي شخصيات مرجعية. الكلمات المفتاحية : أكبر رادي ، الشخصية ، السيميائية الدلالية ، افول ، فيليب هامون.

Abstract

Semiotics - semantics is a scientific method by which the mechanisms of formation and production of semantics in discourses can be studied. Among the most prominent and famous semiotic theorists are (Saussure, Philippe Hamon and Peirce). The character element is one of the main elements in every story, because it has an important role in the course of the story. The research was written using a descriptive-analytical approach to study the personality in the play (oful) by the writer Akbar Radhi from the semiotic-semantic point of view. according to Philip Hamon's theory, such as personality types and levels of character description. These characters were analyzed according to Philip Hamon's theory, as this study showed that most of the characters in the play are reference characters. **Keywords : Akbar Rady, personality, semantic semiotics, oful, Philip Hamon.**

چکیده

نشانه - معناشناختی ابزاری علمی است که با آن می‌توان سازکارهای شکل‌گیری و تولید معنا را در گفتمان‌ها بررسی کرد. مشهورترین نظریه پردازان نشانه‌شناسان (سوسور، فیلیپ هامون، پیرس) هستند. عنصر شخصیت از عناصر اصلی هر داستان است. زیرا شخصیت‌ها در روند رویدادهای متن داستان نقش مهمی دارند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است که بررسی نشانه معناشناختی شخصیت‌های نمایشنامه‌ی (افول) بر اساس نظریه فیلیپ هامون از قبیل، انواع شخصیت، سطوح توصیف شخصیت، مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که با بررسی الگوی نظریه فیلیپ هامون، مشخص شد که بیشتر شخصیت‌های نمایشنامه‌ی (افول) شخصیت‌های مرجعی هستند. کلید واژه‌ها: اکبر رادی، شخصیت، نشانه - معناشناختی، افول، فیلیپ هامون.

مقدمه

(فیلیپ هامون) نظریه‌پرداز و نشانه‌شناس فرانسوی است که در سال ۱۹۹۰ کتاب (نشانه‌شناسی شخصیت‌های داستانی) را منتشر کرد. با این کتاب دیدگاه جدیدی از عنصر شخصیت پرداخته که این دیدگاه شامل نظریات پیشین می‌باشد ((ر. ک ، شاه پسندی و صالحی ، ۱۴۰۰: ۱۱۴)) هر داستان شامل مجموعه‌ای از عناصر اساسی است که متن نمایشی را می‌سازد و این عناصر با یکدیگر مرتبط هستند. از اینرو، شخصیت از مهمترین عناصر داستان شمرده می‌شود که در جریان حوادث نقش مهمی دارد. همانطور که رولان بارت در تعریف شخصیت گفته است که هیچ داستانی در جهان بدون شخصیت‌ها وجود ندارد ((ر. ک ، سماعی و عباسه ، ۲۰۱۸: ۳۴)). در این پژوهش، شخصیت‌های نمایشنامه‌ی (افول) از دیدگاه نشانه - معناشناختی بررسی می‌شود و بر طبق نظریه (فیلیپ هامون) تحلیل خواهد شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی، صورت گرفته است و تطبیق و بررسی شخصیت بر طبق نظریه (فیلیپ هامون) نشان داده می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

_ الگوی نظریه‌ی (فیلیپ هامون) در نمایشنامه‌ی (افول) چگونه مطابقت می‌کند؟

_ بیشتر انواع شخصیت‌های نمایشنامه‌ی (افول) چه نوعی هستند؟

پیشینه‌ی پژوهش

در مورد مطالعات مربوط به بررسی نشانه- معناساختی شخصیت‌های نمایشنامه‌ی (افول)، اکبر رادی بر طبق نظریه (فیلیپ هامون) پژوهش‌هایی صورت گرفته‌است که به برخی از آنها اشاره میشود: شاهپسندی دانش‌آموخته کارشناسی ارشد در مقاله عنصر شخصیت در رمان‌های (رجال في الشمس) اثر غسان کفانی و (خشم وهیاو) اثر ویلیام فاکنر (با تکیه بر نظریه فیلیپ هامون) می‌پردازد، نتایج پژوهش آن نشان می‌دهد که دو نویسنده اثر توانسته‌اند اسامی اوصاف والقباب شخصیت‌ها را با کارکرد داستانی خود هماهنگ و همسو سازند و با توصیف ایجاد گوناگون شخصیت‌ها خواننده را در مقابل تصویری تمام نما از آنان قرار دهند نیز دکتر مرادیان قبادی در (تحلیل نشانه‌شناختی شخصیت‌ها در حکایت ملک عمر نعمان) بررسی کرده است. از نتایج پژوهش آن، این است که اسامی شخصیت‌ها در این حکایت نقش مهمی در ساختار و مفاهیم و پیام‌های قصه دارند.

زندگی‌نامه اکبر رادی

اکبر رادی ۱۰ مهر در سال ۱۳۱۸ چشم گشود. فرزند ام البنین وحسن است. پدرش قناد و قندریز بود. رادی مرحله ابتدایی را در دبستان (عنصری) رشت گذراند. بعد از ورشکستگی پدر به شهر تهران مهاجرت کردند و تحصیل ابتدایی را در دبستان (صائب) تهران ادامه داد. بعد از ادامه دادن تحصیل در دبیرستان فرانسوی، او با آشنایی آثار صادق هدایت شروع به داستان نویسی کرد و اولین داستان‌هایی را که به نام (موش مرده) بود، در روزنامه کیهان چاپ کرد. اولین مطالعه رادی در نمایشنامه‌ای به نام (دوشیزه اورلئان) اثر شیلر بود. رادی در سال ۱۳۳۸ از دبیرستان رازی فارغ‌التحصیل شد و در کنکور پزشکی دانشگاه تهران موفق نشد و در همان سال با چاپ داستان (باران) مسابقه داستان نویسی مجله (اطلاعات جوانان) شرکت کرد و در بین ۱۱۴۸ نفر، برنده جایزه اول شد و اولین نمایشنامه‌ی جدی خود به نام (روزنه آبی) را نوشت ((ر. ک ، طالبی ، ۱۳۸۲ : ۱۵-۱۶)).

نمایشنامه‌ی افول

نمایشنامه‌ی (افول) در سال ۱۳۴۳ که توسط اکبر رادی در پنج پرده تشکیل شده است که به وسیله انتشارات طرفه چاپ شد و در سال ۱۳۵۱ بازنویسی گردید . ((ر. ک ، حیدری و همکار ، ۱۳۹۷ : ۱۵)) افول یکی از مورد بحث‌ترین نمایشنامه‌های رادی است که برخورد افکار مردم را در یک جامعه‌ای دور افتاده نمایش می‌دهد. مهندس جوان و تحصیل‌کرده‌ای که با دختر یک مالک که فکر و فرهنگ قدیمی دارد ازدواج کرده و می‌خواهد در املاک پدرزنش اصلاحات جدید انجام دهد. دنیای جدید و پر تحرک مهندس با دنیای سنتی و قدیمی پدرزنش در تعارض است. در جامعه کوچک یک روستا اشخاص به نسبت فرهنگ و درکشان از جهان به طرف یکی از این دو قطب (تحصیل‌کرده و قدیمی) موضع‌گیری می‌کنند. در این میان، همسر جوان مهندس که در میان کشش‌های مساوی (همسر و پدرش) حیران مانده دچار سخت‌ترین تعارض‌هاست. محیط مرطوب و سبز و خواب‌آور شمال حال و هوای داستان را به اندازه کافی چخوفی کرده‌است . ((ر. ک ، سپانلو ، ۱۳۷۴ : ۲۳۲))

شخصیت‌های نمایشنامه افول

- ۱- جهانگیر معراج ← روشنفکر و مهندس
- ۲- مرسته معراج ← زن جهانگیر
- ۳- عماد فشخامی ← مالک روستا
- ۴- فرنگیس فشخامی ← دختر عماد
- ۵- غلام‌علی کسمایی ← مالک
- ۶- فرخ کسمایی ← پسر برادر غلام‌علی
- ۷- دکتر شبان ← پزشک نارستان
- ۸- تقی میلانی ← مدیر مدرسه
- ۹- هادی آریا ← معلم
- ۱۰- گداخان ← زارع
- ۱۱- میرآقا ← پستچی
- ۱۲- کوکب ← خدمتکار

در روستایی که در شمال ایران به نام نارستان وجود داشت، دو مالک بزرگ به نام عماد فشخامی و غلامعلی کسمایی که همراه با اقوام در روستای نارستان زندگی می‌کردند . فشخامی دامادی به نام جهانگیرمعراج داشت که زمین‌هایش را اداره می‌کرد. جهانگیر به قصد کمک چاهی می‌کند و خواستار ساخت مدرسه همراه با دوستانش، میلانی مدیرمدرسه و دکتر شبان و دیگر افراد می‌شود. هرچند که پدر زنش راضی به این کار نبود، زیرا می‌دانست که اگر این کار را بکند، کسمایی بزرگ به خاطر زورگویی که دارد اجازه همچنین کارهایی را نمی‌دهد. همین‌طور هم شد و بلافاصله کسمایی آدمهایش را فرستاد و کارگرانی را که جهانگیر بر سر چاه گذاشته بود به قتل رساند. از آنجایی که نمی‌توانستند با کسمایی بزرگ مقابله کنند جرم‌هایش مخفی ماند. جهانگیر بازم دست‌پس‌نکشید و برای ساخت مدرسه اقدام کرد و یک راست از مستغلات پدر زنش را بدون اجازه فروخت تا بناهای مدرسه را پایه‌گذاری کند. برادرزاده کسمایی بزرگ ، فرخ کسمایی که قرار بود به اجبار عمویش با دختر عمویش ازدواج کند، نتوانست این شیطان صفتی عمویش را تحمل کند و پا به فرار از خانه عمویش گذاشت و به طرف خانه جهانگیر رفت. جهانگیر با اینکه که می‌دانست فرخ از قوم و قبیله کسمایی بزرگ است، او را پناه داد . از این‌رو، عماد هر کاری می‌کرد تا جلوی دامادش را بگیرد و منصرفش کند، اما جهانگیر راضی نمی‌شد. یک‌روز کسمایی بزرگ از رفتن فرخ به خانه جهانگیر خبردار شد و شبانه برای تهدید به خانه جهانگیر که برادرزاده‌اش را برگرداند ، آن زمان عماد پشت در فال‌گوش ایستادن بود. اما کسمایی بزرگ حرف‌هایش را به گونه‌ای زد که عماد بشنود. دفتر خاطراتی که میلانی عشقش را به فرنگیس اعتراف کرده بود آن را در خانه فشخامی فراموش می‌کند. از این قتل یاد دفترچه خاطراتی افتاد که میلانی جا گذاشته بود که در آن دفتر خاطرات میلانی عشقش را به فرنگیس دختر کوچک عماد اعتراف کرده بود، فشخامی آن را بر می‌دارد و پنهان می‌کند. چندشب بعد عماد به خاطر این دفتر خاطرات میلانی را مجبور به تنظیم اسناد می‌کند، که تمام مال و اموالش را به کسمایی بزرگ بفروشد تا جهانگیر نتواند آن مدرسه را بسازد. وقتی سند به دست کسمایی بزرگ رسید، آن را برای همه بازگردد، پس از آن عماد برای همیشه به رشت رفت و میلانی که از این خبر خودکشی می‌کند و جهانگیر از این اتفاقات شکه و ناامید شده بود و نمیدانست چه کار باید بکند از اینکه دیگر به هدفش نرسید و زندگی‌شان به بادرفت. مرده ، جهانگیر را تنها نگذاشت و مدام دل‌داری می‌داد. اما جهانگیر که زندگی‌اش دگرگون شده بود با حرف‌های امیدبخش مرده درجه کوچکی از امید در قلبش پیدا شد و تصمیم گرفتند که زندگی‌شان را از نو بسازند.

در آمدی بر نشانه - معناشناختی

"سوسور پیدایش دانشی را با نام *semiology* پیش‌بینی می‌کند و بر این نکته تاکید دارد که چنین دانشی حق حیات دارد" ((المالکی ، ۲۰۱۹ : ۴۱۳)) . در نشانه‌شناسی، سوسور نشانه را (دو وجهی) یا دو قسمتی معرفی می‌کند. از نظر او نشانه از دو قسمت تشکیل شده است از :

- دال: یعنی تصور آوایی می‌باشد.

- مدلول: تصور ذهنی، یا مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند. ((ر.ک ، سجودی ، ۱۳۸۷ : ۱۲))

"مفهوم دلالت در نظام فکری سوسور ... رابطه‌ای ایجابی است که بین دال و مدلول بر قرار است" ((المالکی، ۲۰۱۵ : ۱۳)) به نقل از ((سجودی، ۱۳۹۰ : ۵۲)) نشانه از نظر پیرس " چیزی است که به جای چیز دیگری برای کسی تحت عنوان یا بر اساس رابطه‌ای برقرار گردد". ((شعیری و همکار، ۱۳۸۸ : ۴۰)) "پیرس ، فیلسوف پراگماتیست و منطق‌دان مستقل از سوسور مشغول تدوین الگوی خود از نشانه ، نشانه‌شناسی و طبقه‌بندی انواع نشانه بود. بر خلاف الگوی سوسوری نشانه که قالب دوگانه خود بسنده^۱ را داراست ، پیرس الگویی سه وجهی را معرفی کرد:

۱- بازنمون : صورتی که نشانه به خود می‌گیرد (والزاما مادی نیست) .

۲- تفسیر : نه تفسیرگر، بلکه معنایی که از نشانه حاصل می‌شود.

۳- موضوع : که نشانه به آن ارجاع می‌دهد" ((سجودی ، ۱۳۸۷ : ۲۱)) .

پیرس در دسته بندی‌های خود سه نوع نشانه را متمایز می‌سازد:

شمايل: در شمایل میان صورت و موضوع شباهتی وجود دارد، مثل مجسمه‌ای از یک شخصیت تاریخی یا صدای پرنده‌ها و حس بویایی و غیره شبیه به (موضوع) اش است. یک عکس از ارسطو، از نظر پیرس، نمونه‌ای از نشانه است.

• نمایه: در این نوع نشانه رابطه‌ی (صورت) با (موضوع) رابطه‌ی علت است. مثلاً (صورت) دود به (موضوع) آتش دلالت می‌کند، چون (دود) سبب وجود (آتش) است.

• نماد: یکی از مهمترین انواع نشانه است که رابطه بین (صورت) و (موضوع) قرار دادی است. مثلاً پرچم سفید نشانه‌ای از صلح و تسلیم است. ((ر.ک. ، صفوی ، ۱۳۹۱: ۳۵۰-۳۵۱)) دانشجوی کارشناسی‌ارشد وئام عبدالواحد درباره نشانه‌شناسی تعریفی از امبرتو آکو نقل میکند "نشانه‌شناسی با هر چیز که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سروکار دارد" ((۱۹: ۲۰۲۲)) به نقل از ((اکو، ۱۳۷۹: ۷))

اما نشانه‌شناس رولان بارت^۲، نشانه‌شناسی را الگویی برای تولید معنا می‌شمارد و از دیدگاه او، نشانه همان رابطه‌ای است که بین دال و مدلول برقرار می‌گردد. ((ر.ک. ، ذبیح پور و همکاران ، ۱۳۹۳: ۲۹)) " تفاوت دیدگاه بارت با سوسور در این است که بارت معتقد است که سوسور تنها به معنای صریح نشانه‌ها پرداخته، ولی او و دیگران به معنای ضمنی توجه نشان دادند. به عقیده بارت، یک نشانه ممکن است زنجیره‌ای از معنایی ضمنی داشته باشد" ((ذبیح پور و همکاران ، ۱۳۹۳: ۲۹)).

نشانه‌معناشناختی: " ابزاری علمی است که با آن می‌توان سازکارهای شکل‌گیری و تولید معنا را در گفتمان‌ها بررسی و مطالعه کرد." ((داوودی مقدم ، ۱۳۹۲: ۱۰۶))

تمایز نشانه- معناشناسی (semiotique) و نشانه‌شناسی (semiology)

دانشجوی کارشناسی‌ارشد زینب ناصر در پایان‌نامه خود درباره نشانه‌شناسی ذکر کرده است نشانه‌شناسی دانشی است که روند تولید و توسعه علائم را بررسی می‌کند، تا وقتی که معنی خاصی به دست آورد ((ر.ک. ، ۲۰۲۱: ۱۵)). نشانه‌شناسی و نشانه‌معناشناسی دوشاخه علمی از دانش معناشناسی هستند که معنی‌شناسی هم شاخه‌ای از زبان‌شناسی به شمار می‌رود. هدف از معناشناسی این است که دلالت‌های معنای واژگانی را بررسی می‌کند ((ر.ک. ، عباسی ، ۱۳۹۵: ۵)). اما هدف نشانه‌شناسی و نشانه- معناشناسی در دو نقطه متفاوت از معنی‌شناسی قرار گرفته است و به همین دلیل این دو شاخه علمی سعی دارند که از آن عبور کنند: هر دو تلاش دارند از کلمه، عبارت و جمله فراتر روند تا پدیده‌های دلالتی را در کلیت گفتمانی آنها بررسی کنند ((همان جا)) . به عبارتی دیگر، فرق و اختلاف نشانه‌شناسی با نشانه‌معناشناختی این است که نشانه‌شناسی با نشانه آغاز می‌شود و با نشانه گذر می‌کند. اما نشانه‌معناشناختی با نشانه شروع می‌شود و با معنا می‌گذرد و هدف آن در زبان شکل بیان و شکل مفهوم است ((ر.ک. ، فروزانفر و همکار ، ۱۳۹۷: ۶))

نشانه- معناشناختی ساختار شخصیت‌ها در نمایشنامه‌ی (افول)

بعضی از ناقدان شخصیت را به این شکل تعریف کرده‌اند "شخصیت عنصری است که در جریان حوادث داستان نقش مثبت یا منفی ایفا کند" ((مرادیان قبادی، ۱۳۹۷: ۲۵۴)) به نقل از ((زکریا ، ۲۰۰۹: ۶۸)). همانطور که رولان بارت در تعریف شخصیت گفته است که هیچ داستانی در جهان بدون شخصیت‌ها وجود ندارد ((ر.ک. ، سماعیلی و عباسی ، ۲۰۱۸: ۳۴)). استاد عدنان درباره شخصیت در مقاله خود نقل می‌کند "کسی که کنش نمایشی را انجام می‌دهد، شخصیت است، زیرا شخصیت رسانه‌ای است که نویسنده از طریق آن ایده خود را بیان می‌کند" ((بی‌تا : ۳۵۶)) به نقل از ((عبد الحمید ، ۲۰۰۱: ۳۶۰)) دکتر العتابی و همیار درباره شخصیت می‌گوید که عنصر شخصیت در داستان با عنصر زاویه‌ی دید در ارتباط است، زیرا روایت یا داستان از راه یکی از شخصیت‌ها روایت می‌شود ((ر.ک. ، ۲۰۲۲: ۲۸۲)) . در مورد زاویه دید، دکتر داوی یوسف ذکر کرده است که "زاویه دید point of view یکی از مسائل پیچیده در ادبیات داستانی به شمار می‌رود، اما در همان وقت، یکی از مهمترین تکنیک‌هایی است که به داستان جذابیت و زیبایی می‌دهد" ((۲۰۲۱: ۳۰۷)) (شخصیت‌های هر داستانی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود: - شخصیت اساسی یا اصلی، شخصیتی است که تمرکز اصلی مؤلف بر آن است و شخصیت‌های ثانوی، شخصیت‌هایی هستند که برای توضیح نظر شخصیت اصلی و برای پیشبرد رویدادهای داستان می‌آیند (ر.ک. ، صالحی و همکار ، ۱۳۹۵: ۳۰)). شخصیت‌های اصلیدر نمایشنامه‌ی (افول) (جهانگیر، مرده، فشخامی) و شخصیت‌های فرعی (فرخ ، فرنگیس، کسمایی، میلانی، شبان، گداخان، کوکب، میر آقا، هادی آریا).

شخصیت از دیدگاه (فیلیب هامون)

هامون شخصیت را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱- شخصیت‌های مرجعی: که شامل شخصیت‌های تاریخی مانند (ناپلئون)، اسطوره‌ای و شخصیت ادبی و مجازی (عشق - نفرت) و اجتماعی (مانند کارگر - کارفرما) می‌شود. خوانش چنین شخصیت‌ها به میزان درک گیرنده، از فرهنگی بستگی دارد که باید آن را بیاموزد و بر آن شناخت پیدا کند. ((ر.ک، شاه پسندی و همکار، ۱۴۰۰: ۱۹ در نمایشنامه‌ی (افول) شخصیت‌های اسطوره‌ای وجود ندارد. شخصیت‌های نمایشنامه اغلب اجتماعی هستند و چند شخصیت فرهنگی هم حضور دارند.

۱- شخصیت‌های فرهنگی: میلانی مدیر مدرسه و هادی‌آریا معلم آنجاست که هر دوی آنها ظاهر و رفتاری فرهنگی دارند. جهانگیر هم که با هدف ساختن مدرسه برای ارتقای سواد روستائیان به آنجا آمده، میتوانیم او را یک شخصیت فرهنگی به حساب آوریم.

ب- شخصیت‌های اجتماعی: فشخامی و کسمایی شخصیت‌های اجتماعی دارند که مالک بسیاری از زمین‌های روستا هستند که مردم روستائیان برایشان کاری‌کنند و این رابطه‌ای که بین مردم روستا و دو مالک وجود دارد، رابطه‌ی کارگر و کارفرما است.

پ- شخصیت‌های سیاسی: دو مالک کسمایی و فشخامی با سیاست‌هایی که با مردم روستای نارستان دارند "تصویر واقعی از جامعه ارباب-رعیتی دهه‌چهل را نشان می‌دهند" ((حیدری و همکار، ۱۳۹۷: ۱۹)) که می‌توان این دو شخصیت را شخصیت‌های سیاسی نام برد.

ت- شخصیت‌های ادبی: شخصیت نویسنده وارد شده در نمایشنامه (افول) (جمال زاده) است که میلانی این گونه نقل می‌کند "جمال زاده نویسنده فقیر ایران می‌گه: در زندگی زخم‌هایی هست که آهسته آهسته روح را خفا می‌جود و می‌فرساید" ((رادی، ۱۳۹۸: ۸۵)).

ث- شخصیت‌های تاریخی: علی‌رغم اینکه نمایشنامه‌ی (افول) شخصیت‌های تاریخی وجود ندارد اما در مناسبتی که سالگرد ازدواج مرسده و جهانگیر بود، شخصیت تاریخی ناپلئون ذکر می‌شود که در ضمن گفتگو بین دکتر شبان و میلانی به آن اشاره شده است، "در آغوش کنیاک ناپلئون بریم" ((رادی، ۱۳۹۸: ۵۸)).

۲- شخصیت‌های واسطه یا اشاره‌گر: "نشانه و علامتی است برای حضور مؤلف یا خواننده و یا شخصی که از آن نیابت می‌کند و عقیده و نظر آن دو را مطرح و یا به آن اشاره می‌کند" ((شاه پسندی و همکار، ۱۴۰۰: ۱۲۴)) به نقل از ((هامون، ۱۹۹۰: ۲۵)). شخصیت‌های اشاره‌گر دو نوع هستند: شخصیت‌های نشانگر حضور نویسنده و شخصیت‌های نشانگر حضور خواننده ((ر.ک، همان جا)).

۱- شخصیت‌های نشانگر حضور نویسنده: نویسنده‌ی داستان، اکبر رادی، در دوران کودکی و نوجوانیش در منطقه‌ی شمال ایران سپری شده است به همین دلیل، این نمایشنامه بدگرفته از وقایع آن دوران بوده که از طریق شخصیت (جهانگیر) قهرمان داستان، در صدد انتقال آن به خواننده است. تیپ‌ها مورد علاقه اکبر رادی در داستانهایش مثل جهانگیر، شکست‌خورده و بحران زده هستند ((ر.ک، حیدری و همکار، ۱۳۹۷: ۲۱)).

ب- شخصیت‌های نشانگر حضور خواننده که به دو بخش تقسیم می‌شود: الف- خطاب قرار گرفتن خواننده توسط راوی ب- طرح سؤال در نمایشنامه ((ر.ک، شاه پسندی و همکار، ۱۴۰۰: ۱۲۶)).

الف- خطاب قرار گرفتن خواننده توسط راوی: اکبر رادی با استفاده از کاربرد ضمیر (تو) خواننده را با راوی همراه می‌سازد. به عنوان نمونه، زمانی که جهانگیر درباره رسیدن به هدف خود با مرسده حرف می‌زند و سخن خود را بیان می‌کند که گویی خواننده را مخاطب قرار داده و او را با خود همراه می‌سازد:

"جهانگیر: تو اسم شو میداری ظلم؟..."

جهانگیر: گوش کن عزیزم تا وقتی نقشه‌های من اینجا پیاده نشه، نمی‌تونم تصمیم بگیرم. دلم میخواد بفهمی. این خود خواهی نیس، از خود گذشتگیه زندگی ما اینه: یه آلونک... اینارو به تو که زنم، هستی می‌گم که بدونی هیچی نباید برای ما وجود داشته باشه؛ حتی یه نره خوش‌بختی" ((رادی، ۱۳۹۸: ۳۴)). خواننده از طریق این گفتگو پیش‌بینی می‌کند و حدس می‌زند که ایا جهانگیر با این اصرار و عزم خود برای رسیدن به هدف و عدم اهمیت وی به همسرش مرسده، به هدف خود می‌رسد یا نه؟.

ب- طرح سؤال در نمایشنامه: "مطرح‌شدن پرسش‌هایی از سوی راوی و نویسنده فرصت حدس‌زدن را در اختیار خواننده قرار می‌دهد" ((شاه پسندی و همکار، ۱۴۰۰: ۱۲۶)). اکبر رادی با این سؤال "زندگی با یه ناامید برای تو چه ثمری داره؟... حالا من چشم‌مامو بسته‌ام گوش‌مامو گرفته‌ام، اما این گرده‌هام چه کارکنم؟" ((رادی، ۱۳۹۸: ۱۵۳)). خواننده با این سؤال‌هایی که جهانگیر از مرسده

می پرسد درمی یابد که جهانگیر به هدف خود نرسیده است و خود را یک شخص ناامید می داند. همانطور که در پایان نمایشنامه بابت ناامیدی خود با مرسد گفتگو می کند "ولی تو مرسد تو این شب بارانی شاهد من باش، من با دست خالی شروع کردهم و شاید اشتباه من همین بود" ((رادی ، ۱۳۹۸: ۱۵۴)). از گفتگوی پایانی جهانگیر و مرسد، خواننده متوجه می شود برای رسیدن به هدف جهانگیر لازم است، انسان ، یارانی داشته باشد که با همراه و هم عقیده باشند. جهانگیر تنها به روستا آمد که مردمش ضعیف هستند و زیر دست دو مالک بزرگ بودند و چون آن دو مخالف طرح جهانگیر، مردم جرأت همراهی با جهانگیر را نداشتند.

۳- شخصیت های یادآورنده : این نوع شخصیت شبکه ای از یاد آوری ها و خاطرات ایجاد می کند و عمل کردی متحدکننده و پیوند دهنده دارد و نوعی علامتی است که ذهن خواننده را می آزماید، بنابراین، این نوع شخصیت به بازنمایی و تأویل علامت ها و وجود خواب های هشدار دهنده، اعترافات، یادآوردی و بازگشت به گذشته ، اشاره نمودن به گذشتگان و... مهمترین خصوصیت های این گونه شخصیت به حساب می رود . ((ر.ک ، شاهپسندی و همکار، ۱۴۰۰: ۱۲۷)) اکبر رادی این نوع شخصیت ها را به کار نبرده اما می توانیم گفتگوی عماد با جهانگیر بابت عادات و تقالید مردم در روستا، عماد می گوید: "سالهاست که اجدادشون تو نارستان زندگی کردن ، برنج کاشتن و غذاگرفتن و بچه درس کردن ، او نام خیال دارن این کار و بکنن..." ((رادی، ۱۳۹۸: ۹۵)). عمادگذشته ی نیاگان مردم روستای نارستان رابه جهانگیر به یاد می آورد و به عادات و تقالید مردم روستا اشاره می کند و نیز با اشاره نمودن به گذشتگان، می توانیم شخصیت ادبی جمال زاده فقید ایران را یک شخصیت یادآورنده بنماییم که میلانی به آن اشاره کرده است فیلیپ هامون معتقد است: شخصیت را می توان به عنوان مدلول اعتبار نمود و آن را علامتی چندپاره و غیر مرتبط دانست که به صورت تکه تکه و یا مرکب قابل توصیف است. این روش، سطوح توصیف شخصیت نامیده می شود (ر.ک ، شاه پسندی و همکار، ۱۴۰۰: ۱۲۸) شخصیت ها در نمایشنامه ی افول در سه سطح ظاهری و فیزیولوژی، روانی و اجتماعی توصیف می شود:

شخصیت	بعد ظاهری و فیزیولوژیکی	بعد روانی	بعد اجتماعی
فشخامی	مالک بزرگ نارستان.	سلطه جو، متنفر از آمدن مهندس به روستا، ترسو از کسمایی.	پیرمردی دارای دو دختر به نام مرسد و فرنگیس.
جهانگیر	جوانی است و مهندس کشاورزی، ساکن شهر سپس روستا.	امیدوار، روشنفکر و بی احساس نسبت به همسرش. انسان دوستانه و ظلم ستیزانه ، در نهایت شکست خورده نارستان را ترک میکند.	متاهل، همسرش مرسد دختر فشخامی.
کسمایی	مالکی دیگر در نارستان .	کینه جو، قدرت مند ، بی رحم، سلطه جو و مردی است دوکاره.	متاهل، همسرش مرسد دختر فشخامی.
فرنگیس	دختری است زیبا رو و با صورتی دائماً آرایش شده، موی سرش فراوان و کلاه عنابی بر سر آن.	لجباب ، نسبت به خانواده وی تفاوت دارد.	مجرد، دانشجو، دارای پدری شکاک و آرزوی مهاجرت در خارج برای ادامه تحصیل.
میلانی	روشنفکر، دستمالی سفید در جیب، موهای تنگ و براق، و دفتر خاطراتی در زیر بغل.	تودار ^۲ ، عاشق فرنگیس اما فرنگیس او را در شأن نمی داند.	مجرد، مدیر مدرسه ی نارستان.

با فسخ حلقه‌ی نامزدی دختر عمویش به دلیل دیدن قتل یکی از روستا به دست عمویش (کسمایی) خانه را ترک می‌کند و به جهانگیر می پیوندد.	امیدوار و مخالف با جرم های عمویش کسمایی.	جوان و روشنفکر.	فرخ
متاهل، اما دور از خانواده‌ی خود که برای خدمت مردم روستا به نارستان آمده اما به دلیل اضطرابات نارستان آنجا را ترک می‌کند و به خانواده خود برمی‌گردد.	خانواده دوست و نگران آینده فرزندان خود.	دکتر که همیشه یک کیف طبی در دست دارد.	شبان
معلم مدرسه‌ی نارستان.	کم هدف و حضور آن در نمایشنامه بسیار کم است.	کم حضور وبعضی وقت‌ها نان و هندوانه در دست.	هادی آریا

بررسی‌های به عمل آمده در جدول قبلی نشان می‌دهد که اکبر رادی ویژگی‌های برخی از شخصیت‌های اساسی و فرعی مانند: مرسته و فرخ که دارای بعد ظاهر و روانی دارند توصیف نکرده و آن را به خواننده نمایشنامه واگذار کرده است تا به هر شکلی که می‌خواهد او در ذهن خود تجسم کند.

تحلیل نشانه‌شناختی برخی از نام‌های شخصیت‌های نمایشنامه افول

لغت‌شناسان تعاریفات متعددی از واژه نام ارائه داده‌اند، در فرهنگ عمید آمده است " کلمه‌ای که کسی یا چیزی به آن نامیده و خواننده شود" ((عبد، ۲۰۱۴: ۸)) به نقل از ((عمید، ۱۳۷۵: ۱۰۴۵)) اکبر رادی در نمایشنامه‌ی افول، شخصیت‌های خود را به طوری انتخاب کرده تا نشانه‌هایی باشند که ما را برای درک نمایشنامه یاری کنند و مفاهیم و اهدافی در این راستا داشته باشند و هرگز آنها را بدون تأمل و از روی تصادف برنگزید.

- **جهانگیر**^۴: جهانگیر به معنای جهان گشا است، یا کسی که شهرتش به همه نقاط جهان برسد شخصیت جهانگیر در نمایشنامه‌ی افول یک شخصیتی روشنفکر و مشهور در روستای نارستان میباشد. بنابراین ویژگی و معانی نام جهانگیر با شخصیت جهانگیر مطابق و هماهنگ دارد.

- **غلام**^۵ **علی کسمایی**^۶: غلام به معنی پسر بچه، شاگرد، بنده و به صورت پیشوند همراه با برخی نام‌ها می‌آید و نام جدید می‌سازد مانند، غلامعلی. اما درباره کلمه کسمایی می‌تواند به مکان اشاره کند، اهل دهستان کسما از توابع شهرستان صومعه سرا، استان گیلان در شمال ایران استواری‌های اسم غلام با شخصیتی نمایشنامه در شاخص است زیرا شخصیت غلامعلی کسمایی در نمایشنامه نقش مالک روستا را دارد، اما کلمه‌ی کسمایی نسبت به شخصیت مالک نزدیک است، زیرا مالک ساکن روستای نارستان در شمال ایران بوده است.

- **عماد**: عماد به معنی "چوبی که خانه بر آن استوار شود" ((دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۰۱۳)) در اینجا می‌بینیم که بین اسم عماد و دلالت آن در نمایشنامه تفاوت دارد، زیرا شخصیت عماد به فرزندان خود علاقه‌ای نداشت و هیچ محبتی به سوی مرسته و فرنگیس ارائه نمی‌کرد و فقط به مال و املاک خود اهمیت می‌داد.

- **مرسته**^۷: نام این شخصیت از دو واژه تشکیل شده است، مرس که نام درخت راش است و ده، پسوند مکان، جای روئیدن راش است و همچنین به معنای زیبا و با طراوت و خرم می‌باشد. نیز در فرهنگ اصیل ایرانی مرسته را به معنای ملکه ایرانی می‌دانند. در نمایشنامه‌ی افول نام و شخصیت مرسته متفاوت است زیرا مرسته یک زنی است درون شکسته و غمگین که سه سال از ازدواجش با مهندس جهانگیر گذشته بود، به دلیل این که جهانگیر مشغول هدف ساختن مدرسه بود و هیچ اهمیتی به روابط خود با مرسته نمی‌دهد.

- شبان : به معنای "چوپان یا چراننده و محافظت کننده گوسفند می‌باشد و او را به عربی راعی خوانند" ((دهخدا ، ۱۳۸۵ : ۱۷۷۴)) . اما این اسم با شخصیت وشغل شبان که پزشک نارستان بود هیچ تناسب و دلالتی ندارد .
 - فرخ : یعنی خجسته ومبارک وفرخنده، خوشبخت وکامیاب معانی وویژگی‌های این اسم با شخصیت که در نمایشنامه است تناسبی ندارد
 - میلانی^۸ : میلان به معنای میل و خمیدن یا میل کردن و متمایل شدن است. اگر این اسم را با توجه به عشقی که میلانی نسبت به خواهر مرسده (فرنگیس) داشت بسنجیم ، می‌بینیم که نامش با نقش او جور است .
 - هادی : به معنای راهنما و راهنماینده یا مرشد است ((ر.ک ، دهخدا ، ۱۳۸۵ : ۳۱۵۲)) . این اسم با نقش هادی آریا در نمایشنامه که معلم دانش آموزان نارستان است دلالت می‌کند .
 - فرنگیس^۹ : اسم دختر و به معنای دختری که دارای گیسوان پرندین و فراوان باشد. البته این اسم با شخصیت فرنگیس در نمایشنامه جور است همانطورکه درمحاوره بین فرنگیس و مرسده در نمایشنامه می بینیم: "فرنگیس: موهام افتضاس مرسده: برو حموم" ((رادی، ۱۳۹۸ : ۴۱)).

نتیجه گیری

با بررسی الگوی نظریه‌ی (فیلپ هامون) ، مشخص شد که بیشتر شخصیت‌های نمایشنامه‌ی (افول) شخصیت‌های (اجتماعی) هستند که شخصیت‌های مرجعی به شمار می‌روند. اکبر رادی اسامی برخی از شخصیت‌های خود را به گونه‌ای انتخاب کرده‌است که در راستای هماهنگی وهمسویی با دلالت لغوی خود مناسب است اما گاهی این تناسب را رعایت نکرده است تا خواننده را برای کشف رابطه هر اسم با آن شخصیت وادار نماید. نشانه- معناشناختی ساختار شخصیت در نمایشنامه‌ی (افول) در کارکرد و مکانیسم شکل‌گیری آن در تخیل خواننده، چند گونه مختلف را در بر گرفت. مثلاً، شخصیت هریک از دو مالک، فشخامی وکسمایی، یک مرجع نمادین است که در یک تصویر سیاسی از دیدگاه جمعی نشأت می‌گیرد و این تصویر علاوه بر ویژگی فیزیکی، بی‌عدالتی، طمع و خودشیفتگی را نشان می‌دهد. افزون بر صفت جسمانی (لنگ) که نویسنده به شخصیت فشخامی دل بسته است، نشانه‌ای نمادین از فقدان عدالت در قضاوت و تصمیم‌گیری است. با این ویژگی‌ها شخصیت توانست تصویری نشانه‌شناختی ایجاد کند که هدف آن در پیشرفت رویدادهای متن میباشد. اما در مورد شخصیت مهندس جهانگیر، نشان از عمل خیر و منفعت عمومی داشت. افزون بر این، قدرت جاه طلبی و امید را در دستیابی به خواسته‌هایش توسعه می‌داد. اما شخصیت مرسده تصویری نشانه‌شناختی، تخیلی واجتماعی را تشکیل داده که نشان‌دهنده عنصر زنانه است. این شخصیت نقش برجسته‌ای در پیشرفت رویدادهای نمایشنامه داشت، زیرا به عنوان عامل قوت و امید برای جهانگیر محسوب می‌شود. در توصیف شخصیت اکبر رادی ویژگی‌های برخی از شخصیت‌های اساسی و فرعی مانند: مرسده و فرخ که دارای بعد ظاهر وروانی دارند توصیف‌نکرده و آن را به خواننده نمایشنامه واگذار کرده است تا به هر شکلی که می‌خواهد او در ذهن خود تجسم کند.

منابع فارسی

- دهخدا ، علی اکبر . (۱۳۸۵) . ((لغت نامه)) . فرهنگ متوسط دهخدا . مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران .
- رادی، اکبر . (۱۳۹۸) . ((افول)) . چاپ هفتم، نشر قطره: تهران.
- سپانلو، محمدعلی . (۱۳۷۴) . ((نویسندگان پیشرو ایران از مشروطیت تا ۱۳۵۰)) . چاپ پنجم ، نشر نگاه تهران.
- سجودی ، فرزاد . (۱۳۸۷) . ((نشانه شناسی کاربردی)) . تهران: علم، چاپ رامین .
- شعیری، حمید رضا وترانه وفايي . (۱۳۸۸) . ((راهی به نشانه- معناشناسی سیال: با بررسی موردی «ققنوس» نیما)) . تهران ، چاپ نخست .
- صفوی ، کورش . (۱۳۹۱) . آشنایی با زبان شناسی در مطالعات ادب فارسی، چاپ ۱، ناشر علمی .
- طالبی، فرامرز . (۱۳۸۲) . ((شناخت‌نامه‌ی اکبر رادی به کوشش فرامرز طالبی)) . تهران : نشر قطره .
- عباسی ، علی . (۱۳۵۰) . ((نشانه- معناشناختی روایی مکتب پاریس جایگزینی نظریهٔ مدلیته‌ها بر نظریهٔ کنشگران: نظریه و عمل)) . مرکز چاپ و مقاله‌ها، تحقیقات و مجله‌ها
- العتایی، رحیم مهر و زهراء خبازی . (۲۰۲۲) . ((بررسی تطبیقی شخصیت‌های محوری در رومان (الشحاذ) و فیلم‌نامه دانشگاه بغداد . شماره ۴۶ .

- حیدری، فرزانه ومحبوبه خراسانی. (۱۳۹۷). ((نقد جامعه شناختی نمایشنامه افول نوشته اکبر رادی))
- داودی مقدم، فریده. (۱۳۹۲). ((تحلیل نشانه- معنانشناختی شعر (آرش کمانگیر) و جستارهای زبانی ، شماره ۱، بهار ، صص ۱۰۵- ۱۲۴ .
- داوی یوسف، عباس . (۲۰۲۱) . ((بررسی تحلیلی زاویهای دید در رمانهای پارسی " . مجله دانشکده زبانها دانشگاه بغداد . شماره ۴۰ .
- ذبیح پور ، سیده فاطمه وعلی اکبر باقری خلیلی . (۱۳۹۳) شماره ۳۵ ، صص ۲۵- ۵۳ ، زمستان .
- شاه پسندی ، شادی وپیمان صالحی . (۱۴۰۰) . ((عنصر شخصیت در رمانهای (رجال فی الشمس) ۲ ،
- صالحی ، معصومه و محمود حیدری . (۱۳۹۵) . فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی) . شماره بیست و ششم ، زمستان ، صص ۲۷- ۴۴ .
- عبد الحسین محمد ، عقیل . (۲۰۱۹) . ((نشانه‌شناسی واکاوی نظری علمی)) . مجله استاذ علوم انسانی و اجتماعی
- . (۱۳۹۷) . ((بررسی تحلیل داستان قوری چینی پدر با رویکرد نشانه معنانشناسی)) . مطالعات زبان و ادبیات . تهران ، خرداد .
- مرادیان قبادی ، دکتر علی اکبر . (۱۳۹۷) . ((تحلیل نشانه‌شناختی شخصیت‌ها در حکایت ملک عمر نعمان) **پایان‌نامه‌ها**
- المالکی، عقیل . (۲۰۱۵) . ((کوهی معنایی در شناخت افعال زبان فارسی)) . دانشکده زبانها ، دانشگاه بغداد .
- عبد الکاظم ، وثام . (۲۰۲۲) . ((نشانه و معنانشناسی گفتمان در نمونه‌هایی از شعر قیصر امین پور)) دانشگاه بغداد .
- عبد ، فاطمه جواد . (۲۰۱۴) . ((عوامل مؤثر در کاربرد نام‌های عربی ومعنیهای آن در زبان فارسی))
- کنیهر، زینب ناصر. (۲۰۲۱) . ((نشانه‌شناسی در فیلم ایرانی (این زن حقش را می‌خواهد))) . دانشکده زبانها ، دانشگاه ب

منابع عربی

- سماعیلی، مریم وساره عباسه. (۲۰۱۸) . ((قراءة سیمائیة فی مسرحیة رجال إمارة الضاد لبنعیمی البوعلی))
- عدنان، ضفاف. ((بی تا)) . ((الشخصية التسلطیة فی العمل الدرامی دراسة دلالیة مقارنة (سی السید - ابو عصام))) مثلاً. مجله دانشکده الآداب. شماره ۸۹ .

منابع اینترنتی

- رولان بارت
- https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D9%88%D9%84%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D8%AA
- جهانگیر <https://abadis.ir/fatofa/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B1>
- غلام <https://saednews.com/.post/maniye-esme-gholamali-chist>
- فرنگیس <https://abadis.ir/fatofa/%D9%81%D8%B1%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B3>
- https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%87%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D8%B3%D9%85%D8%A7
- مرسده- <https://arga-mag.com/541648/%D9%85%D8%B9%D9%86%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%85-%D9%85%D8%B1%D8%B3%D8%AF%D9%87>
- میلانی <https://abadis.ir/fatofa/%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%86>

هوامش البحث

^۱ بسنده: کلمه بسنده در این عبارت به معنای مستقل است.

^۲ رولان بارت Roland Barthes: در ۱۲ نوامبر ۱۹۱۵ به دنیا آمد. ۲۵ مارس ۱۹۸۰ دار فانی را وداع کرد. وی فیلسوف ، نویسنده منتقد فرهنگی، نظریه پرداز ادبی و نشانه‌شناس مشهور فرانسوی بود.

https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D9%88%D9%84%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D8%AA

^۳ تودار: " شخصی که افکار خود را پوشیده دارد . که اسرار خود را به کسی نگوید. رازدار" ((دهخدا، ۱۳۸۵: ۸۰۲)) .

^۴ جهانگیر <https://abadis.ir/fatofa/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B1>

^۵ غلام <https://saednews.com/.post/maniye-esme-gholamali-chist>

^٦ كسمایی

https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%87%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D8%B3%D9%85%D8%A7

^٧ مرسته

<https://arga-mag.com/541648/%D9%85%D8%B9%D9%86%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%85-%D9%85%D8%B1%D8%B3%D8%AF%D9%87>

[/https://abadis.ir/fatofa/%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%86](https://abadis.ir/fatofa/%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%86) میلانی ^٨

[/https://abadis.ir/fatofa/%D9%81%D8%B1%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B3](https://abadis.ir/fatofa/%D9%81%D8%B1%D9%86%DA%AF%DB%8C%D8%B3) فرنگیس ^٩